

## اصحاب کساء در شعر اهل سنت

جواد بحرینی

دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بوشهر، باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان، بوشهر، ایران

J\_bahreini@yahoo.com

## چکیده

اهل بیت (به عربی: أهل البيت) عبارتی به زبان عربی است و به معنای واقعی کلمه به معنی مردم خانه یا خانواده‌ی خانه است. عبارت "اهل بیت" در عربستان قبل از ظهور اسلام برای اشاره به قبیله یا طایفه‌ی یک شخص استفاده می‌شد که توسط خانواده‌ی حاکم بر یک قبیله انتخاب می‌شد. در سنت اسلامی این اصطلاح برای خانواده‌ی پیامبر اسلام استفاده می‌شود. اهل بیت به طور ویژه‌ای برای مسلمانان شیعه مهم هستند زیرا شیعیان عموماً احادیث را از اهل بیت و یا نزدیکان آنها استخراج می‌کنند. در اسلام شیعه اهل بیت مرکز اسلام و مفسر قرآن و سنت هستند. شیعیان باور دارند که آنها جانشین پیامبر هستند و شامل محمد، فاطمه، علی، حسن، حسین (به طور کلی معروف به اصحاب کساء "داپوش") و سایر امامان می‌شود. نظرات مختلفی در مورد قلمرو و اهمیت اهل بیت وجود دارد. در اسلام سنی اهل بیت پیامبر شامل زنان پیامبر، دخترش فاطمه، علی و دو فرزندش حسن و حسین می‌شود. باقی سنی‌ها تمام نوادگان محمد را و بعضی اوقات نوادگان عمویش عباس ابن عبدالمطلب را نیز اهل بیت می‌دانند. در تفکر شیعه و سنی هر مسلمانی وظیفه دارد به اهل بیت محبت کنند. در این مقاله به بررسی اصحاب کساء در شعر اهل سنت خواهیم پرداخت.

واژگان کلیدی: اهل بیت، اصحاب کساء، شعر، اهل سنت.

## مقدمه

مسائل امام‌شناسی چنان نیست که تنها یک مسئله‌ی اعتقادی جدا افتاده از سایر معارف و ساحت ایمانی انسان باشد؛ بلکه امری است که در شبکه‌ی معرفت دینی، با تمام اجزای آن می‌پیوندد و هویت ایمانی را فرامی‌برد. تمامیت عرصه‌ی شناختی انسان را تحت اندیشه‌ی والای ولایت الهی ارتقا می‌بخشد.

معرفت به مسایل امام‌شناسی با تکوین سعه‌ی وجودی انسان و سعادت ابدی وی پیوند دارد که باید با ابتنا بر وحی و برهان سلیم، در روح انسان ریشه دواند و جان انسان جوانه زند. این معرفت ارجمند باید انسان را به سرمنزل اطاعت رساند و در نهایت به مقام و مرتبت فرازمند تسلیم و اسلام محض ره برد. جنس معرفت به مسایل امام‌شناسی، از جنس دانستی‌های عقل جزوی‌اندیش نیست که تنها در انبان شناخت ذهنی آدمی تلنبار گردد؛ بلکه از جنس دانش و بینشی است که به نور می‌پیوندد و صاحب آن را به روشن‌بینی و بصیرت معنوی می‌رساند که تمام شئون حیاتش را درمی‌نوردد و ساحت اندیشگی و رفتاری را در پرتو خود فروغ می‌بخشد. درک فضایل رسول اعظم صلی الله علیه و اله و اهل بیت علیهم السلام و وقوف بر مرتبت الهی آنان، موجب جلای دیده و صفای جان و سبب سیر در مسالک معنوی و صعود بر مدارج کمالات است. این معرفت رهایی‌بخش، دل مؤمن را از تیرگی گناهان و کژاندیشی‌ها می‌شوید و به سرچشمه‌ی پاکی و سلامت روح رهنمون می‌شود.



خداوند ما را به مودت اهل بیت علیهم السلام دستور داده است. مودت دوست صدیق و جان نثاری پایدار را می‌گویند. معرفت به فضایل و مناقب آنان و مودت بدان بزرگواران در طول حب الهی است و اهل معرفت بدان وسیله در منازل سلوک دینی گام می‌نهند و مراتب صعود را به سوی پروردگار طی می‌کنند. این روشن ضمیران هرچند در میان مردمان می‌زیند، اما پیش از آن و بیش از آن خود را در محضر حضرت احدیت جلّت عظمت می‌بینند و در پرتو نور ولایت، آن اولیای معصوم الهی و ائمه‌ی هدی علیهم السلام را شاهد کردار و گفتار و پنهان و آشکار خود می‌دانند.

### اهمیت حدیث کساء

رویداد نزول آیه‌ی تطهیر و صدور حدیث کساء از استثنایی‌ترین حوادث روشنگر و رکنی از ارکان هدایت و رهبری در تاریخ زندگی رسول اکرم صلی الله علیه و اله است. آنچه انسان را به حقیقت این واقعیت عقیدتی ۹ نزدیک می‌کند، دقت و تأمل بی‌هیچ گونه پیش داوری در متن واقعیه‌ی کساء و آیه‌ی تطهیر و احادیثی است که در تبیین آن از ائمه‌ی اهل بیت صلوات الله علیهم وارد شده است. فضای خاص این رویداد و اجتماع پنج تن اصحاب کساء در زیر کساء و نزول آیه‌ی کریمه به روشنی اثبات می‌کند که ارتباطی ناگسستنی بین آن دو است که دل‌های آزاداندیشان را تا روز واپسین به عظمت و اهمیت این واقعه در معرفی پیشوایان آینده‌ی جامعه‌ی اسلامی و تحکیم بنیان رهبریت اسلام و مسلمین معطوف داشته و با برجسته‌ترین خصایص و فضایل اهل بیت آشنا می‌گرداند.

که روزی حبیب خدا مصطفی  
ابوالقاسم احمد رسول خدا

محمد(ص) شهنشاه دنیا و دین  
که ما را پدر باشد آن مه جبین

قدم رنجه فرمود در خانه ام  
منور از او گشت کاشانه ام

بفرمود یا فاطمه بر تو باد  
سلام از من ای دخت نیکونهاد

بدو عرض کردم که ای نامور  
ز من بر تو بادا سلام ای پدر

سپس گفت آن شاه خوبان به من  
که ضعفی شده عارضم در بدن

بگفتم پدرجان ز ضعف شما  
نباشد پناهم به غیر خدا



مرا گفت ای دختر بردبار  
کسای یمانی ما را بیار

بیوشان مرا در کسای یمن  
بیوشانم او را سراسر بدن

چو کردم به رخسار خوبش نگاه  
رخش می درخشید مانند ماه

بین نزول آیه‌ی تطهیر و اجتماع اصحاب کساء پیوندی ناگسستنی وجود دارد؛ چنان که در اکثر روایات وارده در تفسیر آیه‌ی تطهیر بیان شده است 10. نقل تاریخی کامل رویداد کساء مهم نیست؛ بلکه مهم تحلیل اعتقادی آن است که دو نتیجه‌ی باعظمت دارد و از احادیث متواتر وارده در تفسیر این حدیث از طریق شیعه و سنی روشن می‌شود:

1) آیه‌ی تطهیر رکنی از ارکان رهبری امت اسلامی است.

2) خدای تبارک و تعالی هیچ‌یک از انبیا و اولیای خود را، به جز اصحاب کساء به چنین عنوان ملکوتی معرفی نفرموده است.

در اهمیت و جلالت این واقعه همین بس که به اتفاق محدثان و مفسران رسول خدا صلی الله علیه و اله ماه‌ها بعد از این رویداد خود شخصاً به تبلیغ آن می‌پرداخت و هر سپیده‌دم به در خانه‌ی فاطمه‌ی زهرا علیها السلام می‌آمد و می‌فرمود:

السلام علیکم اهل البیت و رحمۃ الله و برکاته، \*إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُم تَطْهِيراً\* (الأحزاب : 1133)

سلام و رحمت خدا و برکات او بر شما ای اهل بیت؛ همانا خدا می‌خواهد از شما اهل بیت هر پلیدی را بزدايد و به کمال پاکی پاک گرداند.

متن آیه‌ی تطهیر و حدیث کساء

عن أم سلمة زوجة النبي صلى الله عليه و اله:

أن رسول الله كان في بيتها على منامة لها عليه كساء خيبرى فجاءت فاطمة ببرمة فيها حريرة فقال رسول الله ادعى زوجك و ابنه حسنا و حسينا فدعتهم فبينما هم يأكلون إذ نزلت على النبي هذه الآية إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُم تَطْهِيراً.



قالت: فأخذ رسول الله بفضل الكساء فغشاهم إياه؛ ثم قال: اللهم هؤلاء أهل بيتي و خاصتي فأذهب عنهم الرجس و طهرهم تطهيرا. قالها النبي صلى الله عليه و اله ثلاث مرات. فأدخلت رأسي في الكساء فقلت: يا رسول الله و أنا معكم فقال إنك إلى خير 12

امسلمه همسر پیامبر گوید:

رسول خدا صلی الله علیه و اله در خانه اش بر خوابگاهش زیر کسای خیبری بود که فاطمه علیها السلام دیگر کوچکی که در آن حریره بود، برای پدرش آورد؛ رسول خدا صلی الله علیه و اله به او فرمود: شوهرت و دو پسرش را بخوان. فاطمه علیها السلام آنان را خواند. بعد از اجتماع همگی به خوردن آن مشغول شدند که در این هنگام آیهی «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمُ تَطْهِيراً» بر پیامبر نازل شد. امسلمه ادامه می دهد: رسول الله صلی الله علیه و اله زیادی کساء را گرفت و با آن آنان را پوشاند. بعد دست خود را از زیر آن بیرون آورد و به سوی آسمان اشاره کرد و گفت: «خدایا اینان اهل بیت من و خاصتان من اند؛ پس از آنان آلودگی را دور کن و هر چه کاملتر پاکشان گردان.» این دعا را پیامبر صلی الله علیه و اله سه بار تکرار کرد. من سرم را به درون کساء بردم و گفتم: یا رسول الله صلی الله علیه و اله من نیز با شمایم؟ فرمود: تو به سوی خیری.

مجلس انسی ست در این خانه، دلدارم کجاست؟

میهمان خانه می گوید، خریدارم کجاست؟

جمع خوبان جمع، در زیر عبای حیدری

مست عشقی ذوالجلالی گفت: خمارم کجاست؟

ساقی اش زهرا، محمد با حسین است و علی

از حسن در جمع خوبان، دیده بردارم کجاست؟

مصطفی با خاندان پاک عترت در حضور

شاهد قدسی این مجموع گلزارم کجاست؟

به روایت عمره‌ی همدانیه، امسلمه می گفت:

پیامبر در پاسخ من فرمود: تو از زنان صالح من هستی؛ ولی اگر می فرمود بلی، برای من از هر آنچه خورشید بر آن می تابد و فرومی نشیند، بهتر بود 13.

سند حدیث کساء

تواتر حدیث کساء

خبر متواتر آن است که افراد زیادی به گونه‌ای آن را هم‌آهنگ نقل کنند که هم‌آهنگی و اتفاق نظر آنان به دروغ ممکن نباشد 14. حدیث کساء از جمله‌ی احادیثی است که متواتر نقل شده است. در هر عصری، افراد زیادی از بزرگان شیعه و اعظم اهل سنت با استناد به مدارک کافی اجتماع پنج تن اصحاب کساء را در زیر کساء و دعای پیامبر را در حق آنان و آمدن پیامبر صلی الله علیه و اله به در خانه‌ی فاطمه‌ی زهرا علیها السلام را نقل کرده‌اند.

بعد از پیامبر اعظم صلی الله علیه و اله تبلیغ این رویداد توسط امیرالمؤمنین علی علیه السلام و امام حسن مجتبی علیه السلام و امام حسین سید الشهداء علیه السلام و بنابر روایت جابر بن عبدالله، فاطمه‌ی زهرا علیها السلام که از اصحاب کساء است و نیز از سایر ائمه‌ی اطهار علیهم السلام متواتر نقل شده است و به هر حال در نزد اعظم شیعه و حتی بسیاری از علمای اهل سنت تواتر این حدیث ثابت و تردیدناپذیر است.

تأکید عالمان بر تواتر حدیث کساء

دانشمندان بزرگ شیعه نیز به تواتر این حدیث تصریح داشته‌اند؛ از جمله:

علامه‌ی حلی رحمه الله علیه می‌نویسد:

به اجماع مفسران و جمهور [علمای عامه] مثل احمد بن حنبل و دیگران، آیه‌ی تطهیر در شأن رسول خدا صلی الله علیه و اله و علی و فاطمه و حسنین صلوات الله علیهم نازل شده است..

شیخ مفید رحمه الله علیه در بحث با فردی به نام کرابیسی می‌گوید:

مخالف و موافق نقل کرده‌اند که این آیه در خانه‌ی ام‌سلمه رضی الله تعالی عنها نازل شده و رسول الله صلی الله علیه و اله در آن خانه بود و علی و فاطمه و حسنین علیهم السلام با او بودند. آنان را با کسای خیبری پوشانید و فرمود: «اللهم هؤلاء اهل بیتی» [«خدایا اینان اهل بیت من‌اند»]. در آن حال خداوند آیه‌ی تطهیر را نازل کرد و رسول الله صلی الله علیه و اله آیه را بر آنان خواند. ام‌سلمه رضی الله عنها عرض کرد: یا رسول الله، آیا من از اهل بیت تو نیستم؟ آن بزرگوار فرمود: تو به سوی نیکی هستی. ولی نفرمود که تو از اهل بیت من هستی. حتی اصحاب حدیث روایت کرده‌اند: درباره‌ی آیه‌ی تطهیر از عمر پرسیدند؛ گفت: از عایشه سؤال کنید. عایشه نیز گفت: آن آیه در خانه‌ی ام‌سلمه نازل شده، از او پرسید؛ بهتر از من می‌داند.

با تحیت گفت: جانا خانه‌ی یارم کجاست؟

"تأذن لی یا رسول الله أدخل جمعتکم"

در طلب جبریل پیک حق نگه دارم کجاست؟

خواند جبریل آیه‌ی تطهیر را بر جمعشان

عصمت بی انتها اینجاست، عیارم کجاست؟

"إذهب عنهم رجس طهرهم إلهی أهلنی"

مصطفی دیباچه‌ی پاکی ست، تومارم کجاست

عصمت زهرا که عرض کائنات است و زمین

آبرویش صد غزل، دیوان اشعارم کجاست؟

محدث خبیر، مرحوم حاج شیخ عباس قمی می‌گوید:

از توصیف جابر حضرت حسین علیه السلام را به خامس اصحاب کساء معلوم می‌شود که این لقب از القاب معروفه‌ی آن حضرت بوده و حدیث اجتماع خمسه‌ی طیبه علیهم السلام تحت کساء از احادیث متواتره است که علمای شیعه و سنی روایت کرده‌اند.

صاحب تفسیر کنزالدقائق بعد از نقل روایات بسیار در تفسیر آیه‌ی کریمه می‌نویسد:

تخصیص اهل بیت به آل محمد صلوات الله علیهم از طریق خاصه و عامه متواتر است و روشن شد که دلیل آن اجماع نیست، بلکه احادیث متواتر است.

مفسر عالی قدر شیخ ابوالفتوح رازی در تفسیر این آیه می‌نویسد:

و این خطاب مردان را باشد، نه خطاب با زنان. و نیز اخبار متواتره که مخالف و مؤلف روایت کرده‌اند از ابوسعید الخدری که رسول علیه السلام گفت: این در حق پنج کس آمد: من و علی و فاطمه و حسن و حسین 17.

علامه سید شرف‌الدین می‌نویسد:

بدون شک اهل بیته را که خدای متعال از آنان آلودگی‌ها را دور کرده و به نص آیه‌ی تطهیر، هر چه کامل‌تر پاکشان کرده، جز پنج تن اصحاب کساء نیستند و این به روشنی افضلیت آنها را بر هر آنچه روی زمین و زیر سایه‌ی آسمان است، اثبات می‌کند؛ زیرا آنان عبارت‌اند از: برادرش علی بن ابی‌طالب علیه السلام که به نص قرآن در آیه‌ی مباحله، نفس پیامبر است؛ فاطمه علیها السلام پاره‌ی تنش که خدا به غضب او غضب می‌کند و به رضای او راضی می‌شود؛ و دو ریحانه‌اش حسنین علیه السلام سید جوانان اهل بهشت‌اند. با این دلایل محکم و روشن معلوم می‌شود که آن پنج تن مشمول آیه‌ی تطهیرند و کسی از فرزندان آدم در این فضیلت با آنان شریک نشده و احدی در این عالم زیر کساء به آنان ملحق نگشته است. در این خصوص کلام رسول الله صلی الله علیه و اله کافی است که فرمود: «أنزلت هذه الآية فی خمسۃ: فیّ و فی علی و الحسن و الحسين و فاطمة» [این آیه درباره‌ی پنج نفر نازل شده است: من و علی و حسن و حسین و فاطمه] و به اجماع اهل قبله از تمام مذاهب اسلامی آیه‌ی تطهیر در خانه‌ی ام‌سلمه نازل شده است و پس از آن با اجتماع و قرار دادن خود و علی و فاطمه و حسنین در زیر یک پوشش و دعا در حق آنان، ایشان را از همه‌ی امت برگزید.

آیه‌الله العظمی صافی گلپایگانی می‌نویسد:

بر حسب احادیث متواتر و مشهور بین شیعه و سنی آیه‌ی تطهیر در مورد اجتماع پنج تن شخصیت ممتاز عالم آفرینش در زیر کساء و دعا و صلوات پیغمبر که صلی الله علیه و اله بر آنها دفعات متعدد در منزل پیغمبر صلی الله علیه و اله و در خانه‌ی فاطمه علیها السلام و در حجره‌ی ام‌سلمه و بعضی اماکن دیگر اتفاق افتاده، نازل شده.

تشکیک در سند حدیث کساء

چنان که آمد تواتر حدیث کساء مورد اتفاق شیعه و سنی است؛ جز نزد عده‌ای که برای حفظ شأن خلفای خود از جاعلان حدیث دربار بنی‌امیه تقلید می‌کنند. اما نویسنده‌ی کتاب در پژوهش سند حدیث می‌نویسد:

این رویداد از نظر سند هیچ‌گونه خدشه‌ای را نمی‌پذیرد و محدثان بزرگ، آن را در کتب معتبره‌ی خود نقل کرده‌اند و این حدیث اصطلاحاً مستفیض است .

صدر و ذیل این گفتار ناسازگار است. زیرا حدیث مستفیض از اقسام خبر واحد است و مترتب بر خبر واحد جز ظن نیست و ظن در معرض خدشه است. مستفیض خواندن حدیث کساء تازگی ندارد و صالحی نجف‌آبادی در مقاله‌ای در سال ۱۳۳۸ چنین ادعایی را مطرح کرده است:

مستفیض است: بنابر آنچه گفتم که قصه‌ی کساء در خلوت اتفاق افتاده، سند حدیث کساء متواتر نیست؛ زیرا ناقلان اصلی آن منحصر به اصحاب کساء و ام‌سلمه (و بنابر احتمالی عمرو بن ابی‌سلمه) است و کسی را ندیده‌ام که در میان اصحاب کساء این قصه از رسول خدا و فاطمه نقل کرده باشد؛ از این رو باید گفت راویان اصلی کساء چهار تن هستند: علی، حسنین و ام‌سلمه و چنین حدیثی را در اصطلاح مستفیض می‌گویند .

بطلان این گفتار و کج اندیشی در آن از جهاتی چند آشکار است:

الف) ادعای مقاله نسبتی بی‌ادبانه به صدیقه‌ی طاهره علیها السلام و ام‌سلمه بانوی بزرگوار پیامبر اعظم صلی الله علیه و اله است و مستفیض خواندن حدیث با توضیح وی معنایی جز خدشه در عصمت امامان و نفی آن ندارد؛ زیرا بر آشنایان به علم درایه‌ی الحدیث و علم رجال الحدیث (حتی مبتدیان آنان) پوشیده نیست که تقسیم اخبار و احادیث معصومان علیهم السلام به متواتر و واحد و خبر واحد به مستفیض و غیر آن به اعتبار راویان از معصومان است تا صحت احادیث و وثاقت راویان معلوم گردد، نه صحت نقل خود معصوم. ساحت مقدس آن برگزیدگان از این اصطلاحات منزّه است؛ زیرا اگر این اصطلاحات آنان را نیز فراگیرد، ارکان دین خدا بی‌اعتبار می‌شود و برای دشمنان اهل بیت ابزار نقد می‌گردد؛ چرا که او می‌تواند مدعی شود بالاتفاق کسی به غیر از پیامبر از وحی و نزول قرآن خبر ندارد و حق چنین ادعایی را ندارد؛ در حالی که امامان بعد از امام حسین علیه السلام احادیث بسیاری را از پیامبر و امیرالمؤمنین و فاطمه‌ی زهرا صلوات الله علیهم نقل کرده‌اند که همه‌ی آنها خبر واحد و مرسل به شمار آمده و ظنی یا حتی بی‌اعتبار خواهند شد. درباره‌ی پیامبر صلی الله علیه و اله هیچ‌کس، چه شیعه و چه سنی، این نسبت را روا نمی‌دارد. شاید علمای اهل سنت، که مطابق مذهبشان منکر عصمت امامان شیعه‌اند، جریان این اصطلاحات را درباره‌ی آن بزرگواران جایز بدانند، اما شیعه‌ی تربیت شده در مکتب قرآن و عترت چنین نسبتی را هرگز جایز نمی‌داند.

ب) حتی خود کسانی که این خبر را مستفیض قلمداد کرده‌اند، اقرار داشته‌اند که این حدیث انکارناپذیر است و البته صالحی نجف‌آبادی در جزوه‌ای که در حقیقت توبه از مقاله‌ی پیشین است، می‌نویسد:

متواتر است؛ اگر چه قضیه کساء در خلوت واقع شده، بعداً مردم دیگر این قضیه را از حضرات معصومین یعنی خود اصحاب کساء و هم چنین از ام‌سلمه شنیده و برای دیگران نقل کردند و ناقلان آن به قدری زیاد هستند که از نقل آنان یقین حاصل می‌شود .

فضیلت رویداد کسا باید در هسته‌ی آن جستجو شود و آن بیانگری آیه‌ی کریمه‌ی تطهیر و عصمت محمد و عترت طیبه‌اش صلوات الله علیهم به عصمتی فراتر از عصمت سایر اولیاء مقربین پروردگار می‌باشد و این امر مهم به صریح کتاب و سنت و به حکم عقل رکنی از ارکان رهبریت و هدایت آن برگزیدگان آفرینش است. بنابر این، جنبه‌ی مهم این رویداد، تاریخت آن

نیست؛ بلکه عقیدتی بودن آن است. بنابر این، ایجاد باور و اعتقاد عمومی در امت اسلامی به بیانگری آیهی تطهیر دربارهی عصمت و طهارت مشمولین عنوان اهل البیت امری ضروری می‌باشد؛ زیرا این عصمت رکنی از ارکان رهبریت و امامت جهانیان تا روز واپسین است. به صریح کریم آیات و سنت قطعی، رسول الله و ائمه معصومین صلوات الله علیه و علیهم افضل اولیاء مخلص پروردگارانند، تکریم خدای متعال به پنج تن اصحاب کساء، نزول آیهی تطهیر و پیوند گسست‌ناپذیر اصحاب کساء، روشنگر فضیلتی از اهل این اجتماع می‌باشد که نصیب احدی از اولیاء الهی نشده است 44. این واقعه یکی از استثنای‌ترین مقاطع تاریخ زندگی رسول الله صلی الله علیه و آله در زمینه تجلی فضائل نخبگان آفرینش و پیشوایان اسلام است. دور از تدبیر حکمت و شأن خاتم الانبیاء و آورندهی دین جهانی است این رویداد با عظمت افتخار آفرینش را نهادینه نماید. به این جهت است که رسول اکرم صلی الله علیه و آله با جمع آنها در زیر یک پوشش و با دعایش در حق آنها از سایرین ممتاز نمود و به روشنی نشان داد این رویداد یک حقیقت و فضیلت مسلم عقیدتی و تذکر به آن ماندگار است. بقای اعتقاد به این رکن در گرو نهادینه شدن این فضیلت اصحاب کسا بر سایرین در امت اسلامی می‌باشد. منشور عصمت و طهارت در رهبریت اسلام و جهانیان نقشی بسیار مهم دارد؛ چنان‌که در آیهی کریمه‌ی

أَمْ مَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمْ مَنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يُهْدَىٰ فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ (یونس : ۳۵)

آیا کسی که به سوی حق راهنمایی می‌کند، برای پیروی شایسته‌تر است یا کسی که راه نمی‌یابد، مگر اینکه هدایت‌اش کنند؟ شما را چه شده؟ چگونه حکم می‌کنید؟

به طور شفاف بیان شده است و این اقتضا را دارد در جوامع اسلامی نهادینه و پایدار بماند.

حکمت ربانی و مشیت الهی بر این تعلق گرفته که مبدأ منشور عصمت و طهارت اهل البیت که فراتر از عصمت انبیاء علیهم السلام است، از خانه‌ای باشد که خانه بانوی تربیت یافته کانون نبوت و مدافع پایدار ولایت و فضائل اهل بیت علیهم السلام، و روشنگر حق از باطل مشخصه و تمایزیش از سایر بانوان می‌باشد، 45 و ختم آن در خانه فاطمه سلام الله علیها باشد که بهترین زنان دنیا و آخرت است به توضیحی که بیان خواهد شد. بر کسی پنهان نیست ام سلمه کریمه‌ی بانوان رسالت بعد از حضرت خدیجه علیها السلام، و امانت‌دار امیرالمؤمنین و فاطمه و حسنین صلوات الله علیهم، و مدافع پایدار فضائل اهل بیت علیهم السلام بود و در سایر کمالات اخلاقی و عبادی و اعتقادی افضل بانوان رسالت بود 46. علامه مامقانی در کتاب تنقیح المقال گوید: حال ام سلمه در جلالت اشهر از آن است که ذکر شود و آشکارتر از آن است که نوشته شود .

و این رویداد را در جامعه اسلامی پیامبر خدا به روش حکیمانه خود چنان تبلیغ کرد و به قدری معروف گردانید و در نهادینه کردن و پایدار ماندن آن در میان امت خویش سعی وافر نمود، که روز وقوع آن، روز کساء نامیده شد 48 و پنج تن پاکی که مشمول عنوان «اهل بیت» و عنایت خاص الهی در آن روز شدند به «اصحاب کساء» ملقب گردیدند، و ماهها در هر سپیده دم به در خانه فاطمه سلام الله علیها می‌آمد و آنها را مخاطب قرار می‌داد و می‌فرمود:

السلام علیکم اهل البیت و رحمه الله و برکاته الصلوة یرحمکم الله اِنَّمَا یُرِیدُ اللّهُ لِیُذْهِبَ عَنْکُمُ الرِّجْسَ اَهْلَ الْبَیْتِ وَ یُطَهِّرَکُمْ  
تَطْهِیراً





بدیهی است آمدن حضرت هر سپیده دم به در خانه آنها برای تعیین اهل البیت بوده نه دعوت و تشویق آنها به نماز و این واضح به هر صاحب عقل سلیم است (گرچه این در جای خود بسیار مهم است، اما اینجا محل بحث از آن نیست)؛ و این تکرار هر سپیده دم رسول الله صلی الله علیه و آله السلام علیکم یا اهل البیت با تلاوت آیه تطهیر، و ترویج و تبلیغ آن رویداد مهم در تاریخ اسلام توسط آن حضرت جز پایدار ماندن و نهادینه شدن آن در جوامع اسلامی هدفی متصور نمی‌باشد.

با تشکیل مجدد آن محفل قدسی در خانه فاطمه صلوات الله علیها. به ذکر این فضیلت استمرار بخشید. نزول آیه تطهیر در شأن فاطمه و پدرش و شوهرش و فرزندانش می‌باشد. حدیث کساء دلیل متقن به برتری آن بانوی مکرمه بر تمام زنان عالمیان ملقبه به سیده نساء العالمین است. آن بزرگوار دختر صاحب نبوت کبری خاتم الانبیاء و همسر صاحب ولایت عظمی و ام الائمه النجباء است؛ پس بسیار شایسته است نهادینه شدن و استمرار ذکر این رویداد مهم و حیانی از خانه‌ای باشد که مهبط ملائک و کانون علم و فضیلت است، و از خانه‌ای و به نام شخصیتی ذکرش تداوم یابد خدای تعالی وجود مقدسش را تمام و کمال به فضل پروردگار خیر و رحمت قرار داده چنان چه خدای تعالی در مقام تسلی خاطر پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله در برابر زخم زبانهای دشمنان می‌فرماید:

إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكُوْثَرَ (الکوثر : ۱)

همانا ما کوثر و خیر و برکات فراوان را بر تو عطا کردیم.

علامه سید عبدالحسین شرف الدین که از مفاخر عالم تشیع است چنین توضیح می‌دهد: علما از تکرار قضیه کساء تکرار نزول آیه تطهیر را احتمال داده‌اند، صحیح در نزد ما این است آیه تطهیر بیش از یک بار نازل نشده ولی حکمت صادق و امین در رسائی و بلاغ آشکار این امر مهم تکرار قضیه کساء را می‌طلبید، یک در خانه‌ام سلمه بعد از نزول آیه تطهیر و ابلاغ آن باهل و مخاطبین آیه که (عترت طاهره‌اند) و بار دیگر در خانه فاطمه سلام الله علیها گردهمائی کساء را (رسول الله صلی الله علیه و آله) تشکیل داد، در هر بار دور از مردم در زیر کسا و جمع می‌کرد و آیه را به مخاطبینش تلاوت می‌کرد، تا با نهادینه کردن قضیه کساء شبهه کج اندیشان را دفع و به تکرار قضیه کسا در خانه فاطمه سلام الله علیها در روایت از وائله ابن الاسقع اشاره صریح شده در مصادر معتبر عامه نقل کرده‌اند .

### معنای لغوی کساء

کساء در زبان عرب به نوعی عبا می‌گویند که بر دوش انداخته می‌شود. همچنین به عنوان زیرانداز و رو انداز نیز به کار رفته است. اما لفظ کساء در این حدیث، به معنای پوششی مانند عبا است که روی لباس‌ها می‌پوشند.

خواجه اول که اول یار اوست ثانی الاثنین اذ هما فی الغر اوست

صدر دین، صدیق اکبر، قطب حق در همه چیز از همه برده سبق

(منطق الطیر ۳۳)



## شرح ماجرای حدیث کساء

هیچ یک از احادیثی که پیامون رویداد کساء رسیده است آن را به طور کامل بیان نکرده و هر یک به بخشی از آن اشاره دارند. آنچه که در ذیل می‌آید بهره‌گیری از تمام روایات برای تصویر کامل رویداد کساء است.

کثر الشک والاختلاف و کل      یدعی انه الصراط السوی

فاعتصامی بلا اله الا الله      و حبی لاحمد و علی

فاز کلب بحب اصحاب کهف      کیف اشقی بحب آل النبی

## شعری از زمخشری عالم اهل سنت

پیامبر اسلام(ص) در خانه همسرش، ام سلمه قرار است پیام مهمی از سوی خداوند درباره چند تن از نزدیکان خود دریافت کند. لذا به همسرش تأکید می‌کند که به هیچ کس اجازه ورود ندهد. از سوی دیگر، در همین روز، فاطمه(س)، دختر پیامبر(ص) تصمیم می‌گیرد برای پدر غذای مناسبی به نام عصیده (کاجی) تهیه کند. او این غذا را در دیگ کوچک سنگی فراهم می‌کند و آن را روی طبقی گذاشته، برای پدر می‌آورد. ام سلمه می‌گوید: «من نتوانستم مانع ورود فاطمه شوم». پیامبر(ص) به دخترش فرمود: «برو و همسر و دو فرزندت را هم بیاور». فاطمه(س) بی‌درنگ به منزل بازگشت و همراه همسر و دو فرزندش - که در آن وقت، خردسال بودند - به خانه پدر وارد شد. ام سلمه با اشاره رسول خدا (ص) برخاست و در کناری مشغول نماز شد.

خواجه شرع آفتاب جمع دین      ظل حق قاروق اعظم شمع دین

ختم کرده عدل و انصافش به حق      در فراست بود بروحیش سبق

(منطق الطیر ۳۴)

رسول خدا(ص) با علی(ع) و فاطمه(س) و دو فرزندش حسن(ع) و حسین(ع)، کنار سفره فاطمه نشستند. پیامبر(ص) کسای خیر (عبایی از بافته‌های مردم منطقه خیبر) را بر سر داماد و دختر و فرزندانش می‌کشد و با دست راست به آسمان اشاره می‌کند و می‌فرماید: «خدا یا! اینان اهل بیت(ع) من هستند. پس هر گونه پلیدی را از آنها دور کن و کاملاً پاکشان گردان.»

آن گاه جبرئیل امین، نازل شد و آیه تطهیر را خواند: **إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً** ((۳۳)) ترجمه...: خدا فقط می‌خواهد آلودگی را از شما خاندان [پیامبر] بزداید و شما را پاک و پاکیزه گرداند (احزاب-۱۳۳)

امّ سلمه جلو آمد و گوشه کسا را بلند کرد ولی پیامبر(ص) کسا را از دست او کشید و مانع ورود او به جمع اهل بیت(ع) خود شد. امّ سلمه عرض کرد: آیا من در شمار اهل بیت نیستم؟ پیامبر(ص) خدا فرمود: تو در راه خیر و نیکی هستی، تو از همسران پیامبر خدایی.

### محل وقوع این ماجرا

علامه حلی می‌گوید: نازل شدن آیه تطهیر در خانه ام سلمه از مطالبی است که امت اسلام بر آن اجماع دارد و به صورت متواتر از ائمه(ع) و بسیاری از اصحاب نقل شده است.

نزول آیه تطهیر و رویداد کسا، بی‌تردید در خانه امّ سلمه واقع شده است. ابن حجر می‌گوید این آیه در خانه ام سلمه نازل شده است اصحاب حدیث، روایت کرده‌اند که درباره این آیه از عمر سؤال شد و او گفت: «درباره آن، از عایشه سؤال کنید» و عایشه در پاسخ گفت: «این آیه در خانه خواهرم امّ سلمه نازل شده است. پس درباره آن، از او بپرسید که در زمینه این آیه، از من آگاه‌تر است. سیوطی در «دُرّ المنثور» از ابن مردویه نقل می‌کند که ام سلمه گفت: آیه «انما یرید الله...» در خانه من نازل شد.

خواجه سنت که نور مطلق است بل خداوند دو نور بر حق است

آمک غرق قدس و عرفان آمدست صدر دین عثمان عفان آمدست

(منطق الطیر ۳۵)

### سند حدیث کساء

این رویداد از نظر سند هیچ‌گونه خدشه‌ای را نمی‌پذیرد محدثان بزرگ آن را در کتب معتبر خود نقل کرده‌اند این حدیث اصطلاحاً مستفیض است و حتی با تحقیقی گسترده می‌توان ادعای تواتر در آن کرد. این رویداد در جامعه اسلامی به قدری معروف شد که روز وقوع آن روز کسا نامیده شد و خمسه طیبه‌ای که مشمول عنایت خاص الهی در آن روز شدند به اصحاب کسا ملقب گردیدند.

طبری در کتاب دلائل الإمامة می‌گوید: مسلمانان اتفاق نظر دارند که همزمان با نزول آیه تطهیر پیامبر (ص)؛ علی(ع) فاطمه(س)، حسن(ع) و حسین(ع) را فراخواند و با کساء آنان را پوشاند و چنین دعا کرد «اللهم هؤلاء اهلی فأذهب عنهم الرجس و طهرهم تطهیرا» خدایا اینان اهل بیت من هستند از آن‌ها پلیدی را دور کن و آن‌ها را پاک گردان .

جواجه‌حق، پیشوای راستین کوه حلم و باب علم و قطب دین

ساقی کوثر، امام راهنما ابن عم مصطفی، شیر خدای

(منطق الطیر ۳۶)



### در کتب اهل سنت

این روایت در کتب حدیثی اهل سنت نیز نقل شده است. حدیث کساء در «صحیح مسلم» این چنین آمده است: عایشه گوید: روزی رسول خدا بیرون آمد و عبائی نقشدار که از موی سیاه بافته شده بود، بر دوش داشت. ابتدا حسن (ع) آمد، او را به زیر عبا جای داد؛ پس از او حسین (ع) آمد، او را هم به زیر عبا جای داد سپس فاطمه آمد و در زیر عبا قرار گرفت، بعد علی (ع) آمد و او را هم همراه دیگران زیر عبا؛ جای داد و فرمود: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً».

ابن حجر در صواعق المحرقة می گوید: به سند صحیح رسیده که پیامبر (ص) کسائی را بر روی آن چهار نفر انداخت. آن گاه عرض کرد: بارخدا! اینان اهل بیت من و خاصه من هستند، پلیدی را از آنان دور ساز و آنان را پاک گردان! <sup>۱۶</sup> ابن اثیر در اسدالغابه و احمد بن حنبل در مسند خود این حدیث را آورده اند و ابن تیمیه در منهج السنه می گوید: «حدیث کسا از احادیث صحیح السندی است که احمد، ترمذی از ام سلمه نقل کرده و نیز مسلم در صحیح خود از عایشه نقل نموده است .

صدیق مطلق آنکه پس از مصطفی به حق

شایسته از او نبود هیچ پیشوا

در باخت مال و دختر در پیش یار غار

جان هم بباخته است به او یار بی دغا

فاروق اکبر آنکه چو طاهها وهو شنید

در های هوی آمد و شد صید طاوها

امیر اهل دین استاد قرآن

امیر المومنین، عثمان عفان

«اسرار نامه ی عطار»

### استدلال ائمه به حدیث کساء

حضرت علی (ع) در بیان یکی از دلایل حقانیت خود به خلافت و جانشینی پیامبر (ص) از حدیث کساء یاد می کند و به خلیفه یادآوری می کند: «آیا آیه تطهیر برای من و خاندان و فرزندانم فرود آمده یا برای تو و خاندان و فرزندان؟ گفت: بلکه تو و خاندانت. فرمود: تو را به خدا! آیا من و خاندان و فرزندانم در روز کساء مشمول فراخوانی پیامبر خدا (ص) بودیم که: «خداوند! اینان خاندان منند که رهسپار به سوی تو هستند نه به سوی آتش» یا تو.

### حدیث کسای منقول در مفاتیح الجنان

حدیث پایانی مفاتیح که به نام حدیث کساء مشهور شده است، در هیچ یک از کتب معتبر فریقین حتی در کتاب‌هایی همچون بحارالانوار که هدف آن‌ها جمع‌آوری احادیث منسوب به اهل بیت(ع) بوده است، وجود ندارد.

مرحوم شیخ عباس قمی در کتاب منتهی الآمال پس از اینکه حدیث کساء را از احادیث متواتر نقل می‌کند درباره حدیث شایع شده می‌نویسد: «اما حدیث معروف به حدیث کسا که در زمان ما شایع است به این کیفیت در کتب معتبره معروفه و اصول حدیث و مجامع متقنه محدثان دیده نشده و می‌توان گفت از خصایص کتاب منتخب است.

همان طور که شیخ عباس قمی اشاره کرده نخستین کتاب که حدیث کسا را به این صورت نقل کرده است، کتاب منتخب طریحی است که آن هم حدیث را بدون سند ذکر کرده؛ و این، بدان معناست که از صدر اسلام تا حدود هزار سال بعد، از این حدیث، هیچ اثری در کتب حدیثی دیده نمی‌شود.

بسیاری از محدثان بزرگ شیعه، همچون: کلینی، طوسی، مفید، طبرسی و ابن شهر آشوب در کتب خود، حدیث کسا را همان‌گونه‌ای که در صدر این نوشته آمده است - با اختلاف تعبیر - آورده‌اند و مخالف متن حدیث کسای شایع است.

### شرح‌های حدیث کساء

گروهی از دانشمندان شیعه رساله‌های مستقلی درباره اسناد حدیث کساء و اثبات اعتبار آن پرداخته‌اند که از جمله آن‌هاست:

۱. سند حدیث کساء، از آیت الله مرعشی نجفی، چاپ ۱۳۵۶ ق؛
۲. آیه التطهیر فی الخمسة اهل الکساء، از محیی الدین موسوی غریفی، چاپ ۱۳۷۷ ق؛
۳. حدیث الکساء عند اهل السنه، از سید مرتضی عسکری، چاپ اول ۱۳۹۵ ق، و چاپ دوم با افزودن منابع شیعی، ۱۴۰۲ ق؛
۴. سند حدیث شریف کساء، از علی اکبر مهدی پور، چاپ ۱۴۱۰ ق.

همچنین شرح‌هایی بر متن معروف حدیث کساء نوشته شده که از آن جمله است:

۱. التحفه الکسائیه، از شیخ بافقی یزدی (م ۱۳۱۰ ق)؛
۲. کشف الغطاء عن حدیث الکساء، از شیخ علی آل عبدالغفار کشمیری (م ۱۳۴۵ ق).

و نیز ده‌ها تن از شعرای نامدار عرب و فارس و ترک و لر و اردو، حدیث کساء را به نظم درآورده‌اند.<sup>۳۱</sup>

شعر زیبای سعدی شیرین سخن در مدح و ثنای رسول گرامی اسلام، حضرت محمد مصطفی و اهل بیت پاک او، صل الله علیه و علیهم، را بخوانید:

سرو نباشد به اعتدال محمد	ماه فرو ماند از جمال محمد
در نظر قدر با کمال محمد	قدر فلک را کمال و منزلتی نیست
لیله‌ی اسری شب وصال محمد	وعده‌ی دیدار هر کسی به قیامت

آمدن مجموعه در ظلال محمد	آدم و نوح و خلیل و موسی و عیسی
روز قیامت نگر مجال محمد	عرصه‌ی گیتی مجال همت او نیست
بو که قبولش کند بلال محمد	و آن همه پیرایه بسته جنت فردوس
تا بدهد بوسه بر نعال محمد	همچو زمین خواهد آسمان که بیفتد
نور نتابد مگر از جمال محمد	شمس و قمر در زمین حشر نتابند
پیش دو ابروی چون هلال محمد	شاید اگر آفتاب و ماه نتابند
خواب نمی‌گیرد از خیال محمد	چشم مرا تا به خواب دید جمالش
عشق محمد بس است و آل محمد	سعدی اگر عاشقی کنی و جوانی

### نتیجه گیری

این روایت در کتب حدیثی اهل سنت نیز نقل شده است. حدیث کساء در «صحیح مسلم» این چنین آمده است: عایشه گوید: روزی رسول خدا بیرون آمد و عبائی نقشدار که از موی سیاه بافته شده بود، بر دوش داشت. ابتدا حسن(ع) آمد، او را به زیر عبا جای داد؛ پس از او حسین(ع) آمد، او را هم به زیر عبا جای داد سپس فاطمه آمد و در زیر عبا قرار گرفت، بعد علی(ع) آمد و او را هم همراه دیگران زیر عبا؛ جای داد و فرمود: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً».

ابن حجر در صواعق المحرقة می‌گوید: به سند صحیح رسیده که پیامبر(ص) کسائی را بر روی آن چهار نفر انداخت. آن گاه عرض کرد: بارخدا! اینان اهل بیت من و خاصه من هستند، پلیدی را از آنان دور ساز و آنان را پاک گردان. ابن اثیر در اسدالغابه و احمد بن حنبل در مسند خود این حدیث را آورده‌اند و ابن تیمیه در منهاج السنه می‌گوید: «حدیث کسا از احادیث صحیح السندی است که احمد، ترمذی از ام سلمه نقل کرده و نیز مسلم در صحیح خود از عایشه نقل نموده است».

### - منابع

بحارالانوار، ج ۲۲، ص ۲۲۱، ریاحین الشریفة، ج ۲، ص ۲۸۸ تا ۳۰۴.

مأخذ السابق، ص ۲۸۸.

الغدیر ۳، ص ۴۰۵ و ج ۴، ص ۴۰.

بحارالانوار، ج ۳۵، ص ۲۰۹، فضائل الخمسة من الصحاح الستة، ج ۱، ص ۲۴۹ و ۲۲۶. شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۱۱، و ۵۰ و ۵۱، الامالی للشیخ المفید، ص ۳۱۸ الامالی للشیخ الطوسی ص ۳۸۷ و ۸۱۹.

موسوعة الامام السيد عبدالحسين شرف الدين، الكلمة الفراء في تفضيل الزهراء عليها سلام، ج ۵، ص ۲۱.

همان، از مسند احمد بن حنبل، ج ۴، ص ۱۰۷، جامع البیان الطبری، ج ۱، ص ۲۹۷، درالمنثور، ج ۶، ص ۶۰۵، رشفة الصادل ص ۳۰، و ابن ابی شیبة و ابن ابی خاتم طبرانی و بیهقی در سنن خود و حاکم در مستدرک تصحیح نموده است.